[تاریخ شهادت حضرت فاطمه (س )](http://article.tebyan.net/12030/%D8%AC%D8%B1%DB%8C%D8%A7%D9%86-%D8%B4%D9%87%D8%A7%D8%AF%D8%AA-%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA-%D8%B2%D9%87%D8%B1%D8%A7-%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%D8%A7%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#link1)

[مخفى بودن قبر حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها](http://article.tebyan.net/12030/%D8%AC%D8%B1%DB%8C%D8%A7%D9%86-%D8%B4%D9%87%D8%A7%D8%AF%D8%AA-%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA-%D8%B2%D9%87%D8%B1%D8%A7-%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%D8%A7%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#link2)

[السلام علیك یا سیدة نساء العالمین](http://article.tebyan.net/12030/%D8%AC%D8%B1%DB%8C%D8%A7%D9%86-%D8%B4%D9%87%D8%A7%D8%AF%D8%AA-%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA-%D8%B2%D9%87%D8%B1%D8%A7-%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%D8%A7%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#link3)

اسماء بنت عمیس جریان وفات فاطمه زهرا سلام الله علیها را چنین تعریف می نماید:

هنگامی كه رحلت حضرت فاطمه نزدیك گردید به من فرمود: جبرئیل در موقع رحلت پدر بزرگوارم مقدارى كافور برایش آورد پدرم آن را سه قسمت نمود؛ یك قسمت را براى خودش برداشت، یك قسمت را به على علیه السلام اختصاص داد و قسمت سوم را به من داد. من قسمت خود را در کناری نهاده و اینك بدان نیاز دارم شما آن را برایم حاضر نما. اسماء حسب الامر فاطمه زهرا، كافور را حاضر كرد. آنگاه حضرت خودش را شستشو داد و وضو گرفت و به اسماء فرمود، لباس هاى نمازم را حاضر ساز و بوى خوش برایم بیاور. اسماء لباس ها را حاضر كرد. آنگاه پوشیده و بوى خوش استعمال نمود و رو به قبله در بسترش خوابید و به اسماء فرمود من استراحت می كنم تو ساعتى صبر كن سپس مرا صدا كن اگر جوابت را نشنیدى بدان كه من از دنیا رفته و مرده ام؛ آنگاه على علیه السلام را زود از رحلت من خبر كن. راوى گوید اسماء لحظه اى حضرت فاطمه سلام الله علیها را به حال خویش واگذار نمود. سپس آن حضرت را صدا كرد، اما جوابى نشنید. صدا زد «اى دختر حضرت محمد مصطفى! اى دختر كسى كه در مقام قرب به پروردگار به قاب قوسین اوادنى رسید!» ولى جوابى نداد. چون جامه را از روى صورت حضرت برداشت مشاهده كرد كه از دنیا مفارقت نموده است. خود را به روى حضرت انداخت و در حالتی كه او را می بوسید گفت: اى فاطمه آن هنگام كه پدر بزرگوارت را ملاقات نمودى سلام اسماء بنت عمیس را به آن حضرت ابلاغ كن. آنگاه گریبان چاك زد و از خانه بیرون آمد. حسنین (ع ) به او رسیده از حال مادر پرسیدند او ساكت شد و پاسخى نداد. آنان وارد خانه شده، دیدند مادر دراز كشیده است. امام حسین (ع ) حضرت را تكان داد دید رحلت نموده است. رحلت مادر را به برادرش حسن (ع ) تسلیت گفت فرمود: اى برادر خداوند تو را در مصیبت مادر اجر و پاداش بدهد. امام حسن(ع ) خود را بر روى مادر انداخت و او را می بوسید و مى گفت اى مادر با من تكلم نما قبل از این كه روح از بدنم جدا شود. حسین جلو آمد و پاهاى حضرت را می بوسید و می گفت مادر من پسرت حسینم با من سخن بگو پیش از آن كه قلبم منفجر شود و بمیرم. آنگاه اسماء به حسنین(ع ) گفت: اى فرزندان رسول الله بروید نزد پدرتان على(ع )، و او را از مرگ مادر مستحضر نمائید. آن دو بزرگوار از منزل به جانب مسجد روانه شدند و صداشان به یا محمدا و یا احمدا بلند شده بود تا به مسجد رسیدند. صحابه به استقبال ایشان دویدند سبب گریه و ناله از آنان پرسیدند، گفتند مادر ما از دنیا مفارقت كرده است. چون امیرالمؤمنین على علیه السلام این خبر را شنید بر روى زمین افتاد و از هوش رفت و با پاشیدن آب آن حضرت به هوش آمد و چنین گفت: ای دختر حضرت ختمی مرتبت محمد(ص ) من بعد از تو خود را به كه تسلى دهم. هرگاه غمها و مصائب جهان به من رو می آورد تو وسیله دلداریم بودى اما بعد از تو چه كسى موجب دلدارى و تسلیت من خواهد گردید .گویى زبان حال على با فاطمه علیهاالسلام این بوده است: بعد پیغمبر ز اشرار عرب آنچه دیدم ظلم و طغیان و غضب

بودم از هر ابتلا بى واهمه شادكام از وصل تو اى فاطمه گر به خون دامان دل آلوده بود چون تو بودى خاطرم آسوده بود چون تو بندى از جهان بار سفر در فراقت بگذرد آبم ز سر اى انیس و مونس دیرینه ام داغ خود چون می نهى بر سینه ام

از چه ترك آشنائى كرده اى

وز على فكر جدائى كرده اى

وجود مقدس امیرالمومنین على علیه السلام بعد از رحلت حضرت فاطمه سلام الله علیها به شدت ناراحت شد و گریه و ناله اش بلند شد و در فراق آن حضرت این اشعار را سرود:

لكل اجتماع من خلیلین فرقته

و كل الذى دون الفراق قلیل

و ان افتقادى فاطما بعد احمد

دلیل على ان لا یدوم خلیل



یعنى: هر اجتماعى از دو دوست، آخر به جدائى منتهى می شود و هر مصیبتى كه غیر از جدایى و مرگ است اندك است و رفتن فاطمه بعد از حضرت ختمی مرتبت پیش من دلیل است بر آن كه هیچ دوستى باقى نمی ماند. و در روایت معتبرآمده است كه چون على علیه السلام ، خانم را در هفت پارچه كفن كرد و پیش از آن كه بند كفن را ببندد، صدا زد: یا ام كلثوم یا زینب یا فضه یا حسن یا حسین هلموا و تزودوا من امكم الزهرا فهذا الفراق و اللقاء فى الجنة.

ام کلثوم، زینب، حسنین بیائید و از مادرتان بهره بگیرید كه هنگام فراق و جدایى رسیده و دیدار و ملاقات فاطمه به بهشت افتاد در این موقع بود كه حسنین (دو قرة العین) زهرا جلو آمده و می گفتند آه و واحسرتا كه با مصیبتى بزرگ روبرو شدیم و به فقدان جدمان حضرت محمد مصطفى و مادرمان فاطمه زهرا مبتلا شدیم. مادرجان هنگامی كه جدمان را ملاقات نمودى سلام ما را برسان و به آن بزرگوار بگو ما بعد از تو در دار دنیا یتیم گردیدیم. حضرت على علیه السلام می فرماید: من شهادت و گواهى می دهم كه در آن هنگام فریاد و ناله فاطمه زهرا بلند شد و دستهاى خود را دراز نمود و دو نور چشمانش حسن و حسین را در بغل گرفت و آهسته آنان را بر سینه خود چسبانید. در این موقع سروش غیبى و هاتف آسمانى ندا در داد: اى ابوالحسن! حسنین را از روى سینه مادرشان فاطمه بردار، به خدا سوگند این منظره ملائكه را به گریه انداخته است .

حضرت آنها را از روى سینه مادر مهربان بلند نموده، بند كفن را بست و همراه سایرین بر فاطمه نماز خواند و آنان حسن، حسین، عقیل، عمار، سلمان، مقداد و ابوذر بودند كه در نماز بر آن حضرت شركت داشتند.

و سپس حضرت را دفن کرد. چون حضرتش را در لحد نهاد فرمود: بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله و على ملة رسول الله محمد بن عبدالله . اى فاطمه صدیقه من تو را به كسى تسلیم كردم كه از من اولى و شایسته تر است. براى تو آنچه مورد رضاى الهى است، همان را پسندیدم. و در حدیث معتبر دیگر در بحارالانوار علامه مجلسى روایت شده است : هنگامی كه بدن حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها سرازیر قبر مبارك گردید دستى از قبر بیرون آمد و او را گرفته و بازگشت نمود.

نظریه برخی این است كه آن دست رسول الله صلى الله علیه و آله بوده است كه پاره تن خود فاطمه را از على تحویل گرفته است.

و نیز در حدیث آمده كه على علیه السلام صورت هفت یا چهل قبر در بقیع ساخت. وقتی بزرگان مدینه از جریان رحلت حضرت فاطمه علیهاالسلام و دفن شبانه ایشان مطلع شدند، گفتند قبور تازه اى که در قبرستان بقیع ایجاد شده و تشخیص قبر حضرت فاطمه را بر آنان دشوار کرده؛ باید توسط عده اى از زنان مسلمان نبش شوند تا با بیرون آوردن جسد فاطمه ما بر آن بدن نماز بخوانیم.

این خبر به امیرالمؤمنین على علیه السلام رسید و فوراً براى جلوگیرى از نقشه آنان در حالی كه آن مظهر قهر و غضب الهى بسیار غضبناك و خشمگین شده بود و لباس زردى را كه در شرایط ناگوار و دشوار می پوشید بر تن داشت و ذوالفقار را به دست یداللهى خویش گرفته بود از منزل خود بیرون آمد و سوگند یاد كرد و فرمود: قسم به ذات قهارالهى اگر دست به یكى از این قبور بزنید و یك سنگ از آن را جابجا نمایید، هر آینه شمشیر در بین شما خواهم نهاد. عُمر و عده اى از یارانش به او رسیده گفتند اى ابوالحسن چرا این كار را انجام دادى؟ به خدا قسم ما قبرش را نبش می كنیم و بر او نماز می خوانیم .

در این هنگام حضرت امیر از جا جست و گریبان عمر را گرفته او را بر زمین كوبید گفت: اى عمر این كه دیدى من از حق خود دست برداشتم بدان جهت بود كه مردم مرتد نگردند و از دینشان برنگردند (یعنى مصلحت اسلام و وحدت مسلمین را رعایت نمودم) ولى در مورد قبر و اراده شومی كه نموده اید به خدایى كه جانم در دست اوست اگر سنگى از آن جابجا شود من زمین را از خون شما سیراب می كنم .

ابوبكر با كمال عجز و لابه جلو آمد و آن حضرت را به رسول الله سوگند داد كه دست از عمر بردارد حضرت امیر هم تقاضاى ابوبكر را پذیرفت و عمر را به حال خود رها نمود و مردم هم متفرق و پراكنده گردیدند.

همچنین روایت شده كه حضرت امیرالمومنین على علیه السلام بعد از دفن جسد حضرت فاطمه سلام الله علیها متوجه قبر حضرت رسول الله شد و عرض كرد: سلام بر تو اى رسول خدا از من و از جانب دختر عزیزت كه به زیارت تو آمده است و در جوار تو و بقعه تو خوابیده است. خداوند او را در میان اهل بیت اختیار كرد كه زودتر به تو ملحق گردد. تا آنجا كه عرض نمود: یا رسول الله دخترت بر آنچه از ناحیه امت از ظلم و ستم و غصب حق واقع شده همه را به شما گزارش می دهد كیفیت حال را از خودش بپرس. چه بسیارغم ها كه در سینه او روى هم نشسته بود كه به كسى اظهار نمی نمود و به زودى همه را به عرض شما خواهد رسانید و خدا از براى او حكم خواهد كرد و او بهترین حكم كنندگان است.



**تاریخ شهادت حضرت فاطمه (س )**

تاریخ شهادت حضرت بر چند روایت در تاریخ ذکر شده است ولی روایت معروف سیزدهم جمادى الاولى و روایت صحیح ترسوم جمادى الثانی سال 11 هجرى است كه بنا بر قول اول 75 روز و بنا بر روایت دوم 95 روز بعد از رحلت رسول الله زندگى نموده است.

**مخفى بودن قبر حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها**

اگرچه موضع قبر و محل دفن حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها براى ائمه اطهار آشكار است ولى بر120

حسب حكم و اسرارى كه در كار بوده موظف به اظهار و افشاء آن نبوده اند مخصوصا كه خود حضرت فاطمه(س ) در توصیه و سفارشات خود بر اخفاء محل دفن خود اصرار داشته است .

اما در عین حال اهل تحقیق از آن صرف نظر ننموده بلكه كنجكاوى بسیار داشته اند كه بر محل دفن آن بزرگوار اطلاع حاصل نمایند؛ در نتیجه با قرائن و امارات به سه نقطه به عنوان محل دفن حضرت فاطمه زهرا دخت گرامی حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفى صلوات الله علیهما ظن قوى پیدا كرده اند.

اول روضه رسول الله پدر حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها.

دوم خانه خود حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها.

سوم در بقیع.

كه مدفن و موضع قبر آن حضرت از این سه نقطه خارج نیست در كتاب مناقب ابن شهر آشوب آمده : شیخ طوسى رحمةالله علیه گفته است قول صحیح تر در مورد قبر حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها این است كه آن حضرت در خانه خودش یا در روضه پیغمبراكرم صلى الله علیه و آله و سلم دفن شده است و مؤید و شاهد این قول حدیثی است كه از حضرت رسول الله نقل گردیده كه فرموده است بین قبر من و منبرم روضه و باغى است از باغهاى بهشت.

علامه مجلسى رحمةالله علیه در كتاب بحارالانوار از ابن بابویه نقل نموده كه گفته نزد من به صحت رسیده كه پیکر مطهر حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها را در بیت خودش مدفون نمودند و بعد از آن كه بنى امیه مسجد را توسعه دادند قبر فاطمه علیهاالسلام در مسجد واقع و جزء مسجد شد. صاحب كشف الغمه می نویسد: مشهور آن است كه حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها را در بقیع دفن كردند.

نظر به این كه جسد حضرت فاطمه زهرا پاره تن حضرت محمد مصطفى علیها افضل التحیة والثناء در روضه منوره پدرش دفن گردیده است اصح و اصوب از تمام اقوال است و شاهد و موید این نظریه آن است كه حضرت امیرالمومنین على علیه السلام در روضه پیغمبر خاتم صلى الله علیه و آله و سلم بر حضرت فاطمه علیهاالسلام نماز خواند و سپس پیغمبر را مخاطب ساخت و فرمود سلام من و دخترت كه در جوارت قرار گرفت بر تو باد یا رسول الله و این كه دستى از قبر مبارك بیرون آمد و فاطمه را در برگرفت و مسلم است كه آن دست مبارك پیغمبر پدر بزرگوار فاطمه زهراى اطهر بوده است .

و نیز دارد كه از حضرت مولانا على بن محمد الهادى علیه الصلوة والسلام، به صورت كتبی سوال شده است. در این مورد سائل می پرسد: اگر صلاح می دانید محل بیت مادرتان حضرت فاطمه زهرا را بفرمائید و خبر دهید.

« أ هى فى طیبته او كما یقول الناس فى البقیع؟ فكتب هى مع جدى صلوات الله علیه و آله. »

آیا محل دفن مادرتان در طیبه است یعنى در مدینه منوره یا همانطور كه بین مردم مشهور است و می گویند در بقیع است؟ حضرت امام هادى علیه السلام در پاسخ مرقوم فرمود و نوشت آن حضرت با جدم رسول الله صلوات الله علیه و اله می باشد و این فرمایش حضرت تأیید و شاهد دیگرى است بر نظریه ما كه بگوئیم حضرت فاطمه زهرا با پدر بزرگوارش حضرت رسول الله می باشد.

در عین حال وظیفه ما شیعیان و محبان حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها این است كه در تمام اماكن نامبرده آن حضرت را زیارت نماییم و در مقام زیارت بگوییم:

**السلام علیك یا سیدة نساء العالمین.**

السلام علیك یا والدة الحجج على الناس اجمعین.

السلام علیك ایتهاالمظلومة الممنوعة حقها.

السلام علیك یا بنت رسول الله . السلام علیك یا بنت نبى الله.

السلام علیك یا بنت حبیب الله . السلام علیك یا بنت خلیل الله.

السلام علیك یا بنت صفى الله . السلام علیك یا بنت امین الله.

السلام علیك یا بنت خیر خلق الله . السلام علیك یا بنت افضل انبیاء الله و رسله و ملائكته.

السلام علیك یا بنت خیرالبریه. السلام علیك یا سیدة نساء العالمین من الاولین و الاخرین.

السلام علیك یا زوجة ولى الله و خیر خلقه بعد رسول الله.

السلام علیك یا ام الحسن و الحسین سیدى شباب اهل الجنة.

السلام علیك یا ام المومنین. السلام علیك یا ایتها الصدیقة الشهیده.

السلام علیك ایتها الرضیة المرضیه.

السلام علیك ایتها الفاضلة الزكیه. السلام علیك ایتها الحوراء الانسیه.

السلام علیك ایتها التقیة النقیه. السلام علیك ایتها المحدثة العلیمه.

السلام علیك ایتها المعصومة المظلومه.

السلام علیك یا فاطمه بنت محمد رسول الله و رحمة الله و بركاته.

مرحوم محدث قمی رضوان الله تعالى علیه می گوید:

باید اعتراف نمود كه بیان فضائل و كمالات نامتناهیه حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها از حیطه احصاء خارج است و احدى نمی تواند از عهده بیان نعت و مدح این بانوى عظیمة الشان برآید جز این كه اقرار به عجز خود نماید.

كتاب فضل فاطمه هرگز تمام نتوان كرد

اگر مداد شود ابحر و قلم اشجار

كسى كه دم زند از فضل بى نهایت او

چو مرغكى است كه از بحر تر كند منقار

فاطمه زهرا علیهاالسلام انسانى است ملكوتى و جبروتى و لاهوتى صفات. و اوست كه میزان تام انسانیت و الگوى كامل آدمیت است و اوست كه ام ابیها و ام الائمه است و باید بسیار قدر بدانیم.

درآخر با توسل به ذیل عنایت آن حضرت اعلام می نماییم.

یا فاطمة الزهرا یا بنت محمد یا قرة عین الرسول یا سیدتنا و مولاتنا انا توجهنا و استشفعنا بك الى الله و قدمناك بین یدى حاجاتنا .یا وجیهة عندالله اشفعى لنا عندالله .